

۴. دستاوردهای نماز

برای سلامت معنوی و توسعه اجتماعی*

□ مریم سعیدیان‌جزی^۱

چکیده

مصلحت‌نگری و جامعیت دین اسلام و مطابقت آن با نظام تکوین و فطرت، سبب شده تا اوامر و نواهی الهی از پایداری و واقع‌گرایی برخوردار باشد. کنکاش درباره کارکردهای اجتماعی فریضه نماز و پیامدهای آن از مسائل جدی این تحقیق است. سؤال این است که نماز به عنوان یک فریضه الهی، چه آثار وضعی در حوزه اجتماعی دارد؟ می‌توان گفت نماز با ایجاد رابطه حقیقی میان ارکان و اجزاء عالم، به مثابه یک اهرم هدایتی، نظارتی، حمایتی عمل نموده و از یک سو با تربیت انسان اجتماعی، مانع انحراف جامعه شده و از سوی دیگر، با ترسیم اهداف کلی و جایگاه انسان در نظام خلقت، زمینه پیوستگی و همراهی او را با خالق و اراده او فراهم می‌آورد. بنای تحقیق آن است تا با روشی توصیفی - تحلیلی، براساس آموزه‌های دینی برگرفته از نصوص دینی، این موضوع را دنبال کند و مدعی است، این تحقیق از جهت زاویه نگرش به موضوعات دینی و تقریر مطالب با ایجاد فرصت تأمل برای صاحب‌نظران و مدیران و آحاد جامعه، توفیق اقامه نماز و پاسداشت آن را بیش از پیش فراهم خواهد آورد.

واژگان کلیدی: نماز، اجتماع، مسجد، اعتماد، امنیت، اتحاد

مقدمه

خداوند متعال نظام عالم را به عنوان نظام احسن با حکمت و علم و قدرت خود خلق کرد. تمام مصالح و مفاسد شیء را در نظر داشته و در قالب شریعت، احکام و قوانین آن را برای بشر فرو فرستاده است. نماز، یکی از اوامر الهی است که خداوند جامعه ایمانی و انسان دیندار را مکلف به انجام آن نموده و دلیل زندگی ایمانی و رهنمون کردن بشر به سوی رستگاری قرار داده، چنانکه در شرایع الهی پیشین هم آمده است.

این مقال، البته مجال فهم چستی فریضة نماز و احکام و آداب آن نیست؛ اما جهت درک بیشتر مسائلی که در متن به آن پرداخته شده، طرح مباحثی چون چهارچوب کلی تحقیق ضرورت دارد که در ادامه به تفصیل خواهد آمد.

الف. بیان مسأله

انسان و جهان پیرامون آن در عصر حاضر با چالش‌های بسیاری روبرو بوده و آسیب‌های اجتماعی و نزاع بر سر هویت، جامعه انسانی را دستخوش تغییرات بسیاری کرده، کرامت و خودشکوفایی انسانی و ارزش‌های فرهنگی و دینی با تهدید جدی روبرو شده است. ازسویی، شرایع الهی برای ایجاد تعادل و توازن در ابعاد مختلف حیات بشری و تضمین سلامت و سعادت جاودانگی او نازل شده است. بدیهی است، ساحت اجتماعی بخشی از حقیقت وجودی بشر را تشکیل می‌دهد و از دین انتظار می‌رود تا با تدوین و ارائه چارچوب نظری و عملی در این زمینه، دست یافتن به حیات طیبه مطلوب را ممکن و ملموس سازد. این مقال با مروری بر اصطلاحات و دقایق علوم اجتماعی و دین درصدد است تا رهیافتی نظری و توسعه‌ای برای کاربست نظام‌مند، منطقی و حَقَّانی مقولات دینی ارائه دهد. ازاین‌رو، بی‌ادعا و بدون آن‌که بخواهد این مقال را به اهمیت و جایگاه نماز حصر نماید؛ به دنبال آن است تا با استفاده از مفاهیم اجتماعی، آثار نماز را در حوزه ارتباطات انسانی - اجتماعی مورد کاوش و جستجو قرار دهد.

نماز به عنوان یک مسأله عقلی و واجب دینی است که آحاد افراد جامعه ایمانی نسبت به آن مکلف هستند و از عظیم‌ترین فرایض و عبادات شرایع الهی به شمار

می‌رود. فطرت انسان به سوی پرستش و عبودیت گرایش دارد و این گرایش در ادیان و مکاتب به گونه‌های مختلف بروز کرده است. اسلام از یک سو، ما را به پرسش و تحقیق رهنمون می‌شود و از سوی دیگر، بر توحید و تعبد تأکید دارد. در نتیجه، تحقیق و پرسشگری درباره فلسفه احکام ما را با ابعاد مختلف حقیقت شریعت الهی اسلام بیشتر آشنا نموده و جنبه‌های توحید و عبودیت و توجه به خدا و انجام فرایض را تقویت می‌بخشد. در اسلام این خداوند است که چگونگی عبودیت و پرستش را تعریف می‌کند و نماز از وجوه بارز این پرستش است که در آن تمام اعضا و جوارح و ابعاد روحی و ملکوتی انسان به کار گرفته می‌شود تا در برابر خداوند اظهار بندگی کند؛ چون شارع مقدس حکیم و عادل است و کیفیت نماز به گونه‌ای است که توانایی‌ها و نیازهای انسان در کنار هدف خلقت و هدایت تشریحی او را به سوی کمال رهنمون شده و عبودیت به معنای واقعی در نماز تحقق می‌یابد. علی علیه السلام فرمود: «... مؤمن، بنای دین خود را بر رأی و نظر شخصی نمی‌گذارد؛ بلکه بر اساس آنچه از پروردگارش رسیده، بنیان می‌نهد» (مجلسی، بی‌تا، ۳۰۹/۶۵).^۱ این نکته می‌تواند اشاره مهمی برای پاسخ به سؤالاتی چون علت عربی خواندن نماز و تعداد رکعات و مانند آن باشد. هر چند حکمت‌ها و دلایلی در این قضایا هست که از حوصله این مقاله خارج است. همچنین، نماز نمودی از پایبندی به شریعت و سنت است. شیخ صدوق در علل شرایع می‌نویسد: یکی از یاران امام صادق از ایشان سؤال کرد: چرا نماز واجب شد، در حالی که هم وقت می‌گیرد و هم انسان را به زحمت می‌اندازد؟ امام فرمود: «پیامبرانی آمدند و مردم را به آیین خود دعوت کردند، عده‌ای هم دین آنان را پذیرفتند؛ اما با مرگ آن پیامبران، نام و دین و یاد آنها از میان رفت. خداوند اراده فرمود که اسلام و نام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زنده بماند و این، از طریق نماز امکان پذیر است» (شیخ صدوق، بی‌تا، ۳۱۷/۲).

بر این اساس، نماز اگر چه جنبه تعبدی دارد؛ اما دارای مبنا و هدفی است که انجام آن از سوی بنده، تکلیف و توفیق به شمار آمده و در راستای هدایت تشریحی خداوند

۱. متن کامل روایت بدین شرح است: «الإسلامُ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ دِينَهُ عَنِ رَبِّهِ وَ لَمْ يَأْخُذْهُ عَنْ رَأْيِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۰۹/۶۵).

قرار دارد و لذا اگر چه تخلف از آن با عقوبت الهی همراه است و عمل به این فریضه در راستای تکالیف عبد است، اما خداوند بنا به قاعده لطف به کسی که این فریضه را انجام دهد، جزا هم می‌دهد. بخشی از توجه این جستار به آثار و دستاوردهای نماز از جهت پاسخ به فلسفه فریضه نماز است که با رویکرد به آیات قرآنی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به آن پرداخته شده است. امید که، آثار عبودیت و تواضع و خشوع عملی به وسیله نماز در ابعاد مختلف زندگی در ما پدیدار گردد.

کنکاش درباره آثار و پیامدهای نماز در حوزه اجتماعی و چرایی توفیق یا عدم توفیق در بهره‌برداری از برکات آن با رویکرد قرآنی - روایی از مسائل جدی این تحقیق است که کمتر به صورت مستقل بحث شده است. سؤال این است که نسبت میان فریضه نماز با اجتماع انسانی چیست؟ و دستاوردهای آن در این حوزه کدام است؟ نماز بر کدامیک از مسائل اجتماعی تأکید بیشتری دارد؟ چه تأثیری بر مناسبات انسانی دارد؟ دستاوردهای نماز در حوزه امنیت اخلاقی در اجتماع چیست؟ راهبرد نماز برای سلامت و توسعه اجتماعی چیست؟ آیا نماز، قادر به مقابله با پدیده‌های معارض با ساحت دین یا کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت مناسبات اجتماعی و هدایت جامعه است؟ فرض بر این است که نماز باعث تحکیم و پایداری مناسبات انسانی شده و با ایجاد زمینه نظم، امنیت و اعتماد اجتماعی، سلامت معنوی و توسعه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد.

مطابق با این امر، بحث اصلی تحقیق یعنی دستاوردهای نماز از دو حیث نظری (کلان) و عملی (کارکردی) طرح و از حیث عملی، این دستاوردها در شش حوزه عمومی، نهاد خانواده، اخلاقی - تربیتی، عدالت اجتماعی، تمدن‌سازی و امنیت اقتصادی تفکیک و بررسی شده است. آنچه به دست می‌آید آن که فریضه، اساس ثبات و تداوم حیات ایمانی، ضامن سلامت معنوی و عامل مقوم توسعه اجتماعی است و لذا پاسداشت و احیای این فریضه الهی در سطح اجتماعی، باعث تعالی جامعه و ضامن امنیت و حرکت آن بر مدار آموزه‌های دینی و احکام الهی است. نماز به عنوان اصلی‌ترین نماد رفتاری - بینشی دینی با ارائه یک الگوی جامع توحیدی از زندگی مبتنی بر پایه‌های ایمانی، در فراهم آمدن کمال اجتماعی و دست یافتن به

جامعه توحیدی مطلوب دین، سهم به‌سزایی دارد که از آن جمله می‌توان به تعریف کارویژه‌های محوری در حوزه تربیتی و تحکیم مناسبات اجتماعی، حضور فعال در حوزه سیاسی (حکومتی) و عمومی، تقویت ایده‌های تعالی انسانی و حفاظت از حریم الهی- انسانی اشاره کرد.

ب. پیشینه تحقیق

ضرورت و اهمیت نماز در اسلام بر هیچ کس پوشیده نیست. به همین جهت تحقیقات فراوانی پیرامون این فریضه عظیم الهی صورت گرفته که با رویکردها و روش‌های مختلف آن را مورد بررسی قرار داده و دارای یافته‌ها و مطالب بسیار ارزنده است. آثاری چون پرتوی از اسرار نماز (قرآنی)، از ژرفای نماز (آیت الله خامنه‌ای)، آداب الصلوة (امام خمینی)، اسرار الصلوة (ملکی تبریزی)، نماز و جامعه‌شناسی (وحدت‌پناه)، گفتگو با دکتر انتظاری (حسن زاده) و مقالاتی چون "ارتباط التزام و اولویت به فریضه نماز با... برخی پارامترهای جمعیت‌شناختی" (امیر موسی رضایی و... مجله علوم رفتاری، ۱۳۹۱)، "مروری بر سازه‌های سلامت اجتماعی و نماز" (سیامک محبی و... نظام سلامت، ۱۳۹۲)، "انگیزه‌های نماز و تأثیر آن بر ادراک اجتماعی" (نصیرزاده، فرهنگ، ۱۳۹۲)، "بررسی تأثیر نماز بر شخصیت جوانان" (احمری، مطالعات جامعه‌شناختی، ۱۳۹۰)، "اعتماد اجتماعی و اعتقادات دینی" (پهلوان، ۱۳۸۵ و رفیع پور، ۱۳۷۸) از این نمونه است.

ج. ضرورت و اهمیت تحقیق

این مقاله نه به ماهیت و فلسفه احکام و قواعد و آداب آن می‌پردازد و نه بر آن است تا به روش معمول پیمایشی و میدانی که منظور تحقیقات علوم اجتماعی با استفاده از روش تجربی و مشاهده‌ای، به کارکردها و جایگاه نماز پی ببرد؛ بلکه بر آن است تا با استفاده از مفاهیم و اصطلاحات مرتبط با علوم اجتماعی و با استفاده از نصوص و مبانی اندیشه دینی، رابطه میان نماز و سلامت اجتماعی و توسعه معنوی را مورد بررسی قرار دهد. بنای تحقیق آن است تا با روشی توصیفی، براساس آموزه‌های دینی این موضوع را دنبال کند.

بحث

اندیشه مبتنی بر انسان‌گرایی مادی و رها شده در طبیعت محض، که از معرفت نسبت به حقیقت هستی و خلقت بی‌بهره است، به غلط تصور می‌کند احکام و اوامر الهی - که نماز یکی از ارکان آن به شمار می‌رود - در تزامن با منافع و آمال انسانی است و سبب محدودیت و محرومیت در بهره‌برداری از لذایذ دنیوی می‌شود. محدودیت نگرش و دنیاگرایی، دو مبنای محوری اندیشه‌های مادی‌گرا است. در حالی که نماز با باور به توحید و خدامحوری و تکیه بر فطرت پرستشگر و حقیقت‌جوی بشری، این نگرش را به چالش کشیده و آن را مانع اصلی دست‌یابی به کمال و حقیقت می‌داند. بررسی و تفصیل این ادعا در این مقاله از حیث نظری و کارکردی، در حوزه اجتماعی مورد توجه قرار گرفته و دستاوردهای آن در ادامه فهرست شده است.

الف. دستاوردهای نماز برای سلامت معنوی و توسعه اجتماعی، از

حیث نظری

مدنی‌الطبع بودن انسان برای دست یافتن به کمال و سعادت است و کمال فردی‌اش در گرو کمال اجتماعی است. اما این انسان امروزی که حیرت و پوچی وجود او را فرا گرفته، چطور می‌تواند عامل تغییر و تحول و خلاقیت باشد؟ به نظر می‌رسد ریشه این حیرت و تزلزل انسان در عدم هماهنگی و پیوستگی فکر و روح و روان او با حقیقت عالم است. انسان امروزی با تغافل و نادیده گرفتن نیازهای معنوی و روحی و انکار جنبه روحانیت عالم و غیب، مانع پرواز روح شده و از این رو با چالش‌های بسیاری مواجه است. در توضیح این مطلب باید گفت، گاه ما فکر دینی داریم، اما رفتار دینی نداریم؛ برعکس گاهی هم رفتارهای ما دینی است، بدون آنکه اندیشه و تعقل ما دینی باشد و توحیدمداری که اساس وجود و مطابق با فطرت خداجوی بشری است، نادیده گرفته می‌شود و طبیعی است که اضطراب و عدم تعادل، اسباب حیرت و پوچی را ایجاد و نگرش انسان‌مدار، جایگزین اندیشه دینی و وحیانی خواهد شد. از سویی، فطرت انسان ثابت و تبدل‌ناپذیر است و آموزه‌های وحیانی نیز امری

ثابت‌ناپذیر به شمار می‌روند و چون از پشتوانهٔ تکوینی - الهی برخوردارند؛ جاودانه بوده و بقا و دوام آن تضمین شده است. فریضةٔ نماز، یکی از وظایف عبادی مسلمانان است که خداوند در قرآن به آن تصریح فرموده و آن را از لوازم و نشانه‌های ایمان دانسته است (شوری، ۳۸ و نیز ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۵۲/۶۹). نماز اظهار بندگی انسان به خدا، راه وصول به کمال و تقرب به حق است. نماز نشانهٔ ایمان (ابن سلامه، ۱۴۰۵، ۱۳۱/۱)، ستون دین (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۷/۵۴)، صورت اسلام (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ۱۳۳/۱)، محبوب‌ترین اعمال در نظر رسول الله ﷺ (طوسی، ۱۴۱۴، ۵۲۸)، نخستین چیزی است که از بنده سؤال می‌شود (ابن بابویه، بی‌تا، ۱۰۰)، بهترین عمل انسان و عامل فضیلت، سبب اصلاح ذات‌البین و حسن خلق (پابنده، بی‌تا، ح ۲۶۵۱) و کلید بهشت است (پابنده، بی‌تا، ۱۵۸). رسول اکرم ﷺ فرمود: «نماز از آیین‌های دین است و رضای خدا در آن است و آن راه پیامبران است و برای نمازگزار حجت فرشتگان، هدایت، ایمان، نور، معرفت و برکت در روزی است» (صدوق، ۱۳۶۲، ۵۲۲).

برخی چنین تصور می‌کنند که باید و نبایدهای الهی از لوازم عقلی و منطقی برخوردار نیست یا نفس این احکام و قواعد برای آخرت انسان بوده یا انسان در انجام یا عدم انجام آن مختار است. این فهم و برداشت نادرست، چنان در حوزهٔ فهم دینی وارد شده که بسیاری از مبانی دینی را مورد طعن قرار داده و با تلقی نادرست از دین، آن را در فضای مکانی و زمانی و مقتضیات اجتماعی محصور می‌نماید و چنان‌الفا می‌کند که جامعهٔ امروزی، دارای مسائلی است که دین، توان ورود و پاسخ به آنها را ندارد. هم‌چنین با ارائهٔ پیشفرض‌ها و تصورات نادرست، دین را امری شخصی تلقی می‌کنند که هر کس باید، خود دربارهٔ چرایی و چگونگی مواجهه با آن تصمیم بگیرد.

گروهی دیگر اوامر و نواهی شریعت را امری توصیه‌ای می‌دانند نه دارای الزام و التزام. این نسبی‌گرایی در مواجهه با دین چنان در نگرش و رفتار اجتماعی برخی از افراد جامعه نفوذ کرده که حضور دین در عرصه‌های اجتماعی را مخالف توسعه و رشد می‌دانند. این در حالی است که مطابق با آموزه‌های وحیانی و اصول و مبانی شرایع الهی با تأکید بر محور اسلام و معارف اسلامی باید گفت نگاه دین یک نگاه جمعی و

مصلحت‌نگر است و اوامر و نواهی الهی که دارای ثبات است، برای فطرت تبدیل‌ناپذیر بشر فرود آمده و رسالت آن، تربیت انسان و جامعه متوازن و متعادل همسو با نظام و فلسفه خلقت است تا به مسیر کمال دست یابد. مقوله نماز هم از این قاعده مستثنا نیست؛ چراکه مانند یک ستون، مانع انحراف انسان شده و جامعه را از افراط و خودمحوری و خمودی خارج می‌کند و همواره جایگاه او در نظام خلقت و لزوم پیوستگی و همراهی با حقیقت خلقت و عبودیت را، به او یادآوری می‌نماید (عرب صالحی، ۱۳۹۱، ۳۵۲).

با استنباط از آموزه‌های دینی اسلام دریافت می‌گردد که دستاوردهای نماز در حوزه اجتماعی عبارتند از:

۱. ایجاد بینش صحیح نسبت به حقیقت عالم
۲. امکان فعلیت یافتن استعدادهای بشری از طریق ایجاد ارتباط با عوالم وجود
۳. اثبات تلازم میان نظام تکوین و تشریح و تصریح بر قانونمندی نظام عالم
۴. ارائه الگوی جامع ولایت مدار با اتصال و تبعیت از سیره و سلوک انبیاء و اولیاء الهی
۵. احیای شریعت و گسترش دین
۶. اصلاح بینش انسان نسبت به خود و جامعه و ایجاد زمینه خود نظارتی در او
۷. ایجاد اطمینان برای برخوردارگی از حیات طیبه در دنیا و آخرت

ب. دستاوردهای نماز برای سلامت معنوی و توسعه اجتماعی از حیث

کارکردی

در این مقوله، دستاوردهای نماز در حوزه اجتماعی از حیث کارکردی مورد توجه قرار گرفته، که در شش محور بررسی شده است:

۱. در حوزه عمومی

منظور از این حوزه تأثیرات عمومی و کلان نماز در جامعه انسانی و ایجاد تعدیل و تعادل در روابط بین فردی، روابط سازمانی و حقوقی و توجه به حوزه‌های حقوق شهروندی است. در این حوزه، نماز مدعی است که با تأمین مقولاتی که امروزه در دانش کلاسیک جامعه‌شناختی مورد توجه است، انتظارات بشری از زندگی اجتماعی را

تأمین، تضمین، جهت‌دهی و به کمال می‌رساند که این انتظارات عبارتند از:

۱-۱. وحدت و هماهنگی

نماز یک عمل صرفاً فردی نیست و مراتب و اقسام نماز بیانگر آن است که شارع مقدس، مصلحت جمعی را با این فریضه همسو کرده است و اصلاً شرط برپایی و صحت نمازهای جماعت، جمعه، عید و امثالهم آن است که نمازگزاران به فردی که صلاحیت دارد اقتدا کنند و به تبعیت از وی، این فریضه را به جا آورند. هماهنگی و پیوستگی صفوف نماز، التزام نمازگزاران به انجام آداب نماز و ارزش‌گذاری مسجد، بیانگر دیدگاه وحدت‌گرایی اسلام بر اساس اصالت و حقانیت آموزه‌های وحیانی است. اقامه نماز به صورت جماعت، یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ چنانچه واژه اقامه ما را به آثار اجتماعی این فریضه الهی رهنمون می‌شود؛ به ویژه آن که نماز در موارد متعددی با فرایض دیگری مانند زکات همراه و قرین شده (نک: توبه، ۵) و این مهم سهم به‌سزایی در تقویت مناسبات اجتماعی و یکپارچگی دینی دارد. خداوند تعالی در موارد مختلف دیگر به مصادیق این آثار پرداخته و می‌فرماید: «پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادران دینی شما می‌باشند و ما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کنیم» (توبه، ۱۱). هم‌چنین از وجود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مروی است: «خداوند دوست دارد آنچه را در جنگ دوست دارد، در نماز هم دوست بدارد» و در این زمینه به آیه شریفه ﴿كَانَ لَهُم بِنِائِنَ مَرصُوعٍ﴾ (صف، ۴) استناد کردند (متقی، بی‌تا، ۸۴۲/۱۵؛ سیوطی، ۱۳۶۵، ۲۱۳/۶) و نیز فرمود: «صف‌های نماز جماعت را هماهنگ و تنظیم نمائید تا دل‌هایتان متعادل شود و شانه‌ها در تماس با هم باشد، تا مهربانی افزوده شود» (متقی، بی‌تا، ۸۴۲/۱۵، ح ۲۰۵۷۵) و فرمود: «یکی از کسانی که خدا نماز آن‌ها را قبول نمی‌کند، برادر دینی است که از یکدیگر بریده‌اند». (متقی، بی‌تا، ۳۰/۱۶، ح ۴۳۷۹۸). یکی از یاران امام صادق علیه السلام درباره علت نماز جماعت پرسید، آن حضرت فرمود: «همانا نماز جماعت و اجتماع برای مسلمین مقرر شده تا نمازگزار از بی‌نماز، و نیز کسی که نماز خویش را در اوقاتش به جا می‌آورد و نمازش را مراقبت می‌کند، از کسی که نمازش را ضایع می‌گرداند شناخته

شود و اگر چنین نبود، کسی به صلاحیت، طهارت و پاکی کسی شهادت نمی‌داد و به همین علت است کسی که نمازش را به جماعت نخواند، در بین مسلمانان بی‌نماز است، زیر رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که بدون علت و عذر، نمازش را با مسلمین در مسجد برگزار نمی‌کند، بی‌نماز است» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ۲۹۳/۸).

معلوم گردید آداب نماز و چگونگی قرار گرفتن مؤمنان در کنار یکدیگر، سبب تقویت احساسات عاطفی و رفع کدورت‌ها و یک‌دلی مؤمنان می‌شود، به طوری که آحاد جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر احساس هم‌دردی و اعتماد می‌کنند و با تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی، اسباب کمال فردی و اجتماعی و تأمین ضروریات زندگی را فراهم می‌آورند. نماز به واسطه آن که در مجموعه نظام‌مند دین، جایگاه رفیعی دارد، یک انسجام و پیوستگی حقیقی میان همه ارکان عبودیت ایجاد کرده و حضور و مشارکت فرد را در جامعه هدایت و تقویت می‌بخشد. ایمان به خدا و روز قیامت، برپاکردن نماز، پرداخت زکات و خشوع در مقابل خدا، از جمله صفاتی است که خداوند برای آبادکنندگان مساجد برشمرده است (توبه، ۱۸).

هم‌چنین مسجد، تجلی‌گاه عبودیت حق، مأمن ارزش‌ها و محل کمالات فردی و اجتماعی است؛ ضمن آن که قابلیت تقویت ارتباطات انسانی و ایجاد وحدت و پیوستگی میان اجزا و مراتب حیات انسانی را دارد. مسجد محل تمرین وحدت و یک‌دلی، دل‌کنند از خودیت‌ها و اتصال با بی‌نهایت، توازن و تعادل در انسانیت و زمینه‌ساز کمال اجتماعی است و محور این شوق و جذبه، فریضه نماز است. خداوند کریم، امنیت و اعتبار و ارزش مسجد را با دیگر شعائر دینی مانند ماه‌های حرام، حج و عمره، مناسک، انبیاء و اوصیاء پیوند داده (مانده، ۲) و هیچ عذری را برای هتک حرمت به مسجد و آسیب رساندن به وحدت امت نپذیرفته است. چنانچه می‌فرماید: «... البته نباید کینه‌توزی کرد؛ هر که شما را از مسجد الحرام بازداشت، شما را به تعدی وامی‌دارد». (مانده، ۲). این مکان‌ها محل عرضه تقوا، احسان و همگرایی مسلمانان در راهیابی به کمال و تعالی بوده و کسانی که از حدود آن تجاوز می‌کنند، مورد عتاب و عذاب قرار می‌گیرند.

۲-۱. نظم اجتماعی

دغدغه انسان، حرکت برای پیشرفت است. نماز امکانات، موانع و اهداف را همسو نموده، دستیابی به کمال حقیقی را ممکن می‌سازد. حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «پیش از دعا، نماز و صدقه یا کار نیک بکنید». (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ۱۱۰/۱). طبیعی است پایبندی به این فریضه الهی، نقش به‌سزایی در تنظیم امور فردی دارد. این نوشتار با صرف نظر از این مقوله، به رابطه میان نماز با نظم اجتماعی به عنوان یکی از مؤلفه‌های سلامت و توسعه اجتماعی می‌پردازد.

میتار، بر این باور است که نظم اجتماعی در تقابل با آناشسی قرار دارد و آناشسی، بیانگر سطحی از بی‌نظمی و هرج و مرج در روابط و الگوهای رفتاری است که به دلیل فقدان قدرت مرکزی بروز می‌کند و محور مرکزی قدرت، دانش و مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد (دوپیچ، ۱۳۷۵، ۲؛ نویدنیا، ۱۳۸۲).

در اندیشه دینی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، حاکمیت مطلقه الهی از مؤلفه‌های اندیشه توحیدی است و انسان، عقلاً و شرعاً موظف به اطاعت از قوانین الهی است. این حاکمیت به مصلحت و اراده الهی به شایستگان و پیشوایان معصوم تعلق گرفته و نصوص دینی به کرات به اثبات و ضرورت این مصلحت و معیار فضیلت و برتری آنها تصریح کرده‌اند. رابطه میان نماز و ولایت، یک رابطه حقیقی است چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس نماز بخواند و در آن بر من و خاندان من درود نفرستد، نمازش پذیرفته نیست». (میرزا نوری، ۱۴۰۸، ۱۵/۵، ح ۵۲۵۶). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز بر پا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی می‌زدیند، ایشان راست فرجام خوش‌سرای باقی هستند» (رعد، ۲۲) و در سوره شوری، برخی دیگر از صفات این گروه را این‌گونه بیان کرده است: «و آنچه به شما داده شده، برخوردار [و کالای] زندگی دنیاست و آنچه پیش‌خداست، برای کسانی که گرویده‌اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر است * و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکاری‌ها، خود را به دور می‌دارند و چون به خشم درمی‌آیند درمی‌گذرند * و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز بر پا

کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند * و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد یاری می‌جویند * و جزای بدی، مانند آن بدی است؛ پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست، به راستی او ستمگران را دوست نمی‌دارد» (شوری، ۳۶-۴۰).

۳-۱. امنیت اجتماعی (Societal Security)

امنیت در لغت به معنای مصون بودن از هر گونه تهدید و تعرض است. مولار معتقد است امنیت اجتماعی، مقوله‌ای است که افراد و دولت به همراه یکدیگر در آن سهیم هستند و آن عبارت است از، قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی. امنیت اجتماعی به بقای گروه‌های اجتماعی توجه دارد. گروه‌های اجتماعی به خاطر اشتراک اعضای آن در اندیشه، احساس و عمل، کلیت یکپارچه‌ای را تشکیل می‌دهند که از آن به عنوان هویت (Identity) یاد می‌شود (نوبدینیا، ۱۳۸۲). مهم‌ترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی با خودی و احساس غیرت و تفاوت نسبت به دیگران است. ۱. هویت هم‌چنین، به فرد این امکان را می‌دهد تا نسبت به وقایع و حوادث اطراف خود، موضع واحدی را به معیارهای واحد در پیش بگیرد (نوبدینیا، ۱۳۸۲) و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان قرار بگیرد (شیخاوندی، ۱۳۸۰، به نقل از: نوبدینیا، ۱۳۸۲، ۱۲). از دیدگاه بوزان، امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که یک نیرویی (بالقوه یا بالفعل) هویت افراد جامعه را تهدید کند. در نتیجه، افراد یک مجموعه با احساس وابستگی و تعلقی که میان اعضاء به وجود می‌آید، یک کلیت یکپارچه را شکل می‌دهند (نوبدینیا، ۱۳۸۲) و سلامت جامعه را ضمانت می‌کنند. گیدنز، امنیت اجتماعی را ایجاد بستر و شرایط برای حفظ زندگی افراد جامعه و حفظ راه و روش زندگی آنان می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳، ۶۲۷).

چنانچه تقسیم‌بندی امنیت براساس شاخص مرجع امنیت باشد، نماز در سطوح مختلف به عنوان یک معیار امنیتی برای فرد و جامعه قرار می‌گیرد؛ چراکه نماز سطوح کلی ارزش‌ها را در نظر می‌گیرد و چنانچه هر کدام از این ارزش‌ها در هر سطحی (اعم

از فردی، اجتماعی، اقتصادی و غیر آن) در معرض تهدید قرار بگیرند، قابلیت دفاع و مواجهه را دارد (اکبر آقایی، ۱۳۸۹). نماز می‌تواند با ایجاد منابع امنیت‌بخش اجتماعی و حراست و بهره‌برداری از آنها، کمال فردی و اجتماعی را تضمین کند. نماز، یک معیار هویت‌بخش اجتماعی است و همسو با اصلاح فردی و اجتماعی، معیارهای زندگی صحیح را ارائه می‌دهد و طرفداران خود را از دیگران متمایز و حراست می‌کند. لازمه تحقق این نگرش در سطح اجتماعی همان‌طور که مولار تصریح کرده، حضور فعال افراد و دولت‌ها برای تربیت اجتماعی است. با تطابق این موضوع با آموزه‌های دینی، معلوم می‌گردد که آموزش و تعلیم و تعلم، بخش مهمی از وظایف ایمانی و نشانه کمال دینداری است. رابطه میان دینداری به معنای بالفعل کردن حقیقت خداجوی و پرستش در انسان و تعلیم و تعلم، یک رابطه مستقیم است. چنانکه یکی از ارکان بعثت انبیاء و وحی و شرایع، آموختن راه و روش دینداری است. پس می‌توان گفت دینداری مهارتی است که درگرو اراده و تلاش بشر برای حرکت در مسیر حق و استمداد از عنایت الهی فراهم می‌آید. در نتیجه، تعلیم و تهذیب از ارکان مهم راهبردی اسلام برای تربیت انسان و ضامن سلامت فردی و اجتماعی او به شمار می‌رود.

۴-۱. اعتماد اجتماعی (Social Trust)

در دانش علوم اجتماعی، عنصر اعتماد به عنوان یکی از ارکان سرمایه اجتماعی و معیار تحقق توسعه اجتماعی شناخته می‌شود (گلایی، ۱۳۸۳، به نقل وثوقی، همان). زیمل، اعتماد را شکلی از ایمان و وابستگی مطمئن به یک نفر یا یک اصل (کمالی، ۱۳۸۲، ۱۳، به نقل وثوقی) و گیدنز آن را اطمینان و یا اتکاء به ماهیت و یا خاصیت شخص یا چیزی یا صحت یک گفته می‌داند. فوکویاما معتقد است اعتماد، مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها است (کمالی، ۱۳۸۷، به نقل وثوقی).

صاحب‌نظران این حوزه بر این عقیده‌اند که اعتماد، مؤلفه اصلی تمام روابط اجتماعی است (تومکا، ۱۳۸۶، ۳). توضیح آنکه تقویت ارتباطات انسانی، عامل ایجاد اعتماد اجتماعی است و اعتماد اجتماعی به عنوان مؤلفه سرمایه اجتماعی، سبب توسعه اجتماعی می‌شود؛ چراکه اعتماد (در هر دو حوزه فردی و نهادی)، زمینه مشارکت و

همکاری میان اعضای جامعه را فراهم آورده، آن را سرعت می‌بخشد و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد (حیدرآبادی، بی‌تا، ۴۰).

سؤال این است که آیا رابطه‌ای میان این مقوله با اعتقادات دینی وجود دارد؟ به عبارت دقیق‌تر، آیا نماز سبب فراهم آمدن اعتماد اجتماعی می‌شود؟ نتایج تحقیقات انجام شده در حوزه علوم اجتماعی بومی شده، بر این عقیده‌اند که ارتباطات انسانی، جامعه‌پذیری خانوادگی و اعتقادات دینی با اعتماد اجتماعی، رابطه مثبت و مستقیمی دارد (حیدرآبادی، بی‌تا، ۳۹) و لذا برای تقویت میزان اعتماد اجتماعی در جامعه باید ارزش‌های دینی، فرهنگی و اخلاقی تقویت شوند. مطابق با این امر با تضعیف اعتماد اجتماعی، ارزش‌های اخلاقی و دینی به طور همزمان تنزل پیدا می‌کند و هنگامی که ارزش‌های اساسی کاهش یافت، سایر ارزشها هم سقوط می‌کند (حیدرآبادی، بی‌تا، ۶۲).

یکی از ابعاد مهم اعتماد اجتماعی، اعتماد به نهادها و قوانین آن است. قوانین نهادی این امکان و قابلیت را دارند تا از لحاظ درونی، خود به تولید و تقویت اقدام کنند و جاودانی شوند. همچنین ضمانت اجرایی نحوه عملکرد هم، خودشان هستند. این گونه نهادها از طریق نظام هدایت و اصلاح، خود را تصحیح نموده و قادرند تا انحرافات عمده را منتفی سازند (تاجبخش، به نقل و ثوقی، ۱۳۸۸، ۱۳۹). مصداق عینی این قضیه در ارزش‌های دینی و اخلاقی، احکام انواع نماز و قوانین نهادی وابسته به آن، مثل نهاد مسجد است.

مسجد در مقوله مرتبط با اعتماد اجتماعی، یک واسطه اثرگذار است (و ثوقی، ۱۳۸۸، ۱۳۹) و به عنوان نهادی اصیل مبتنی بر آموزه‌های دینی و سیره رسول الله ﷺ، کارکردی ویژه در حفظ و پاسداشت ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی و نهادینه کردن آن در جامعه دارد. مسجد، مجموعه ویژه‌ای از ارزش‌ها را به زیر مجموعه خود ارائه می‌دهد و با ایجاد ارزش‌های اعتمادآفرین مانند حقیقت‌گویی، وفای به عهد، انصاف و همبستگی، زمینه انسجام و پیوستگی همگانی را فراهم آورده و اعتماد را در میان پیروان خود تعمیم داده است؛ چراکه اعضای خود را به فضیلت‌گویی پایبند می‌سازد و نقض هنجارها را به خوبی تشخیص می‌دهد. مسجد به صورت فعال و روشن، احکام و گزاره‌های دینی را بازگو و با ارائه فرضیات مبتنی بر اقدامات آتی، شخصیت و هویت

انسان دیندار را اثبات می‌کند و با بیان این موارد در قالب حقوق نهادها و کارگزاران و آحاد جامعه، آنها را به وفای به عهد پایبند می‌سازد و با تأکید بر حقوق اجتماعی که مبتنی بر قواعد حقوقی و اخلاقی شریعت است، امکان دسترسی همگان به فرصت‌های زندگی را فراهم و با ایجاد همبستگی، زمینه‌های اعتماد آفرینی را در جامعه تقویت می‌کند (رجبلو، ۱۳۸۵، ۵۷ به نقل و توفی، ۱۳۸۸، ۱۴۰).

مسجد هم چنین با ایجاد زمینه نظم اجتماعی، توان جمعی را بالا برده و با ممانعت از ایجاد یا ظهور عوامل و زمینه‌های اصلی تضعیف اعتماد اجتماعی و عاملان آن مانند تفرقه و اختلاف و نفاق (مانند مسجد ضرار) و ایجاد امکان ترویج ارزش‌های اجتماعی مانند صداقت، همکاری، ایثار، احترام به حقوق دیگران و... سبب تقویت اعتماد اجتماعی می‌شود (حیدرآبادی، بی‌تا، ۴۱). از وجود رسول اکرم ﷺ منقول است که فرمود: «هرگاه دیدید کسی در مسجد نماز به جماعت می‌گذارد، در هر کار خیری به او خوش گمان باشید». (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ۳۴۱/۱). از این حدیث دریافت می‌گردد که نماز حقیقی، باعث الهام خیرات به انسان شده، او را صدیق و امین می‌گرداند و از بسیاری از ذایل دور می‌کند (کلینی، ۱۳۸۹، ۳۷۱/۳؛ پاینده، بی‌تا: ح ۱۲۸۰).

هم چنین نماز از طریق نظام هدایت و اصلاح، انحرافات عمده را منتفی می‌سازد. از امام سجاد علیه‌السلام منقول است که فرمود: «هرگاه نماز می‌گزاری، چنان باش که گویی نماز آخرین تو باشد که آن را به جا می‌آوری». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۶۰/۸۷). یکی دیگر از مصادیق این مدعا درباره آثار نماز است. وقتی از وجود رسول الله ﷺ درباره آثار حضور در نماز میت سؤال شد، فرمودند: «باشد که این کار تو را اندوهگین کند، که شخص اندوهناک در روز قیامت در سایه خدا است.» (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۶، ۳۶۶/۴، ح ۷۹۴۱).

۲. در نهاد خانواده

اصول و ارزش‌های اخلاق دینی در تحکیم و حراست از کیان خانواده، نقش به‌سزایی دارند و خانواده نیز بالتبع، حافظ باورهای دینی و عامل انتقال رفتارهای دینی به نسل‌های آینده است. مطابق با آنچه پیش از این در خصوص قوانین نهادی و

قابلیت‌های آن با تأکید بر اندیشه دینی بیان شد، اعتماد و ارزش‌گذاری اسلام به نهاد خانواده، ریشه در ارزش و ماهیت و جایگاه این نهاد در توسعه اجتماعی و سلامت معنوی دارد. اهمیت آموزش دینداری به فرزند به‌ویژه با تأکید بر آموزش نماز و تشویق آنان در سنین کودکی در احادیث و سیره پیشوایان معصوم به دفعات بیان شده است. در حدیثی منقول از حضرت رسول اکرم ﷺ است که می‌فرماید: «کودکان خود را وقتی به سن هفت سالگی رسیدند، به خواندن نماز امر کنید». (میرزانی، ۱۴۰۸، ۲۲۸/۱۴) و در جایی دیگر فرمود: «اگر اضافه بر ده ساله شدند، بر ترک تنبیه کنید». (متقی، بی‌تا، ح ۴۵۳۳۰). امام علی علیه السلام نیز ضمن تأکید بر این مقوله، می‌فرماید: «... و در سن بلوغ بازخواست کنید». (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۶۳۰۵).

با توجه به آنکه فنون و مهارت‌های تربیت کودک (در حیطه‌های مختلف جسمی، روحی، معنوی و عاطفی) امروزه، مورد توجه متخصصان و پژوهشگران حوزه‌های علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره قرار گرفته، می‌توان این نکته را هم مورد تأمل قرار داد که تعلیم دینداری در کودکان، صرفاً با ایجاد احساس دینی تأمین نمی‌شود؛ بلکه باید آموزش پایدار و پویا باشد و مطابق نظر گیدنز، بستر و شرایط حفظ افراد جامعه و روش زندگی را به او منتقل کند. هم‌چنین، با قرار گرفتن در محور مجموعه نهادهایی که این رسالت را برعهده دارند مثل مسجد و مراکز دینی، ضمن ایجاد زمینه انسجام و نزدیکی اعضا، امکان برخورداری از امنیت فردی و امنیت اجتماعی برای همگان وجود خواهد داشت (صدوق، ۱۴۱۷، ۷۰۷).

بخش مهمی از سلامت زندگی دیندارانه، در رعایت اصول و قواعد اخلاقی و حقوقی مرتبط با نهاد خانواده و بهره‌گیری از آن در تربیت و سلامت اجتماعی است. از این رو، چنانچه نهاد خانواده دچار آسیب و انحراف شود، در سایر ابعاد حیات اجتماعی هم اثر می‌گذارد. از حضرت رسول ﷺ مروی است: «اگر زنی شوهرش را آزار دهد، اگر تمام عمرش را روزه بگیرد و شب عبادت کند و بنده‌ها را آزاد نماید، خداوند هیچ نماز و کار نیکی را از او نمی‌پذیرد تا آن که به شوهرش کمک کند و رضایت او را کسب نماید». سپس فرمود: «هم‌چنین اگر مردی همسر خود را اذیت کند، یا به او ظلم کند، چنین گناه و عذابی خواهد داشت» (صدوق، ۱۳۶۸، ۳۳۵).

۳. در حوزه اخلاقی - معنوی

یکی از اهداف مهم آموزه‌های دینی، تحقق ارزش‌های الهی - انسانی، تأمین سلامت معنوی و قرار گرفتن انسان در مسیر کمالی است که شریعت و دین برای او در نظر گرفته است. از منظر دینی، مناسبات اجتماعی و حضور فعال انسان در جامعه نه تنها به عنوان یک تکلیف دینی، که از عرصه‌های مهم تحقق این هدف متعالی است. سؤال این است که رابطه نماز با سلامت معنوی چیست؟ و چه اصول و ارزش‌های اخلاقی - اجتماعی در پرتو فریضه نماز قابل دست‌یابی است؟ پاسخ به این دو سؤال در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. تأمین سلامت معنوی

معنویت «مجموعه صفات و اعمالی است که شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیحی را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد» (خمینی، ۱۳۷۳، ۷). درباره سلامت معنوی، اگرچه تعاریف متعددی ارائه شده، اما می‌توان گفت: به برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت اخلاقی و حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر قدسی و دیگران و خود اطلاق می‌شود که طی یک فرایند پویا و هماهنگ، شناختی عاطفی و کنشی و پیامدی شخصی حاصل می‌شود. شناخت معنوی عواطف معنوی، کنش معنوی و ثمرات معنوی از مؤلفه‌های اصلی سلامت معنوی هستند (هانگلمان، ۱۹۸۵، به نقل از عباسی، ۱۳۹۱، ۱۱). سلامت معنوی زمینه ایجاد امنیت و اطمینان فردی را فراهم می‌کند و چنانکه مولار می‌نویسد، مرجع امنیت انسانی فرد آن است که از حیث تعلق به جامعه انسانی مورد توجه بوده و حفظ و استمرار بقای آن با از میان بردن یا کنترل مخاطرات و تهدیداتی که بقای انسان را به مخاطره می‌اندازد، امکان‌پذیر گردد (نویدینیا، ۱۳۸۲).

نماز فرصتی استثنایی است که خالق هستی در اختیار انسان قرار داده تا با او سخن بگوید و وجود خود را در پرتو حقیقت محض و حضور بی‌نهایت قرار دهد و جلا یابد. این ارتباط با بی‌نهایت به انسان امنیت و آرامش می‌دهد و این آرامش است که قدرت

پرواز روح و همراه کردن جسم را برای انسان فراهم می‌کند (عرب صالحی، ۱۳۹۱، ۳۵۵) و او را در اجتماع به عنوان یک عنصر متعهد و مسئولیت‌پذیر تربیت می‌کند. چنین فردی خود را ضامن حفظ امنیت اخلاقی و کرامت انسانی می‌داند و از دین و شریعت با تمام وجود حراست می‌کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند، نماز بنده‌ای را که دلش با بدنش همراه نیست نمی‌پذیرد» (برقی، بی‌تا، ۴۰۶/۱). در روایتی دیگر از آن حضرت ﷺ مروی است: «ای مردم، نمازگزار هنگام نماز با خدای تبارک و تعالی مناجات می‌کند، پس باید بدانید که چه می‌کنید» (ابن حنبل، بی‌تا، ۱۲۹/۲)؛ براین اساس می‌توان گفت، نماز بیانگر حرکت انسان در مسیر درست و نشانه سلامت معنوی او به شمار می‌رود. کارکرد اجتماعی این اندیشه، پایبندی به حقیقت و ارزش‌ها و ایجاد اطمینان در حضور اجتماعی و مانع آشوب و اضطراب و انحراف انسان و آشفته‌گی اجتماعی می‌شود.

سؤال این است که نماز چگونه سبب تزکیه نفس می‌شود یا به عبارت دیگر، چگونه نمازی سبب تزکیه نفس می‌شود و انسان را برای اجتماع آماده می‌کند؟ نماز، کبر را از انسان دور می‌گرداند و مانع دخالت اغیار در بندگی او می‌شود. در حدیث وارد شده: «خداوند بندگان مؤمن را به وسیله نماز، زکات و روزه حفظ می‌کند تا اعضاء و جوارح را آرام، دیدگان‌شان خاشع، جان‌هایشان و دل‌هایشان خاشع گردد». (سیدرضی، ۱۳۸۱، خطبه ۱۹۲) و لذا هر چه این خشوع و تواضع بیشتر باشد، انسان را بیشتر در مدار بندگی، که همان معیار سلامت معنوی در اندیشه دینی است، قرار می‌دهد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «دو رکعت نماز در دل شب، از دنیا و آخرت و آنچه در بین آن است، برتر است». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۸/۸۷، ح ۲۳). از آیات قرآنی، برخی دیگر از آثار تهذیب نفس که از نماز ناشی شده، آمده است: «هیچ باربردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد و اگر گرانباری [دیگری را به یاری] به سوی بارش فرا خواند، چیزی از آن برداشته نمی‌شود، هر چند خویشاوند باشد. [تو] تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند، هشدار می‌دهی و هر کس پاکیزگی جوید، تنها برای خود پاکیزگی می‌جوید و فرجام [کارها] به سوی خداست» (فاطر، ۱۸). از این آیه شریفه، چند نکته به دست می‌آید که براساس آن شاید بتوان گفت بخشی از ابعاد و لوازم سلامت معنوی تأمین شده است.

۲-۳. ابعاد و لوازم سلامت معنوی

تطابق عمل با شریعت الهی

لازمه حصول سلامت معنوی در انجام فریضة نماز، ایمان به همه حقایق عالم، همسویی با آموزه‌های وحیانی و اطاعت از اوامر و نواهی خدا و رسول او است. خداوند متعال می‌فرماید: «آنانکه متوسل به کتاب آسمانی‌اند و نماز بپا دارند، ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت» (اعراف، ۱۷۰).

سلامت وجودی

گروهی بر این عقیده‌اند که انسان دارای سه عالم وجودی است (جسم، خیال و عقلانیت) (طباطبایی، ۱۳۶۴، ۱۹۰/۱، پاورقی مطهری). نماز با ایجاد ارتباط با مرحله روحانی و عقلانی بشر، امکان رشد و تکامل فردی او را در دیگر زمینه‌ها فراهم می‌آورد. به همین جهت تأکید شده، هرچه نماز با آگاهی و شناخت بیشتری اقامه شود، بر درجات ایمان و عبودیت افزوده می‌گردد (ابطحی، ۱۴۱۱، دعای مکارم الاخلاق). براین اساس می‌توان گفت نماز، یک عمل منطبق بر ایمان و مطابق با فطرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش فرمود: «اگر به در خانه یکی از شما، جوی روان می‌بود و هر روز، پنج بار در آن خود را می‌شست؛ آیا در بدن او آلودگی و ناپاکی باقی می‌ماند؟ اصحاب گفتند: نه، سپس فرمود: به‌راستی نماز مانند همان جوی روان است که هرگاه به‌جا آورده شود، گناهان میان دو نماز را پاک می‌کند». (طوسی، ۱۳۶۵، ۲۳۷/۳، ح ۹۳۸).

ثبات شخصیت

شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش معنوی و ثمرات معنوی از مؤلفه‌های اصلی سلامت معنوی است. این صفات در اندیشه انسان‌شناسی دینی در قالب عبودیت و تقوا تبلور می‌یابد. تقوا، پایبندی به گزاره‌های ارشادی و مولوی شریعت الهی است که مصداق بارز این صفت نمازگزاران هستند. نماز خشیت و خوف می‌آورد. خشیت، ترس قلبی در برابر خداست و خوف، ترس عملی است که در قالب تقوا و پرهیزکاری عینیت پیدا می‌کند و فرد در انجام آنچه بر عهده‌اش است، نه تنها استنکاف نمی‌کند

که کنش معنوی او، هم‌سو با دستورات شریعت و در راستای تکالیف دینی قرار می‌گیرد. نماز، معرفت عملی انسان نسبت به خداوند و نشانهٔ محبت و اطاعت از او است. چنانکه می‌فرماید: «... از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند، آری خدا ارجمند آمرزنده است * در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد» (فاطر، ۲۸-۲۹). حضرت رسول ﷺ خشیت در نماز را این‌گونه توصیف می‌کند: «فروتی در نماز، این که بنده با تمام دلش به پروردگار خود رو کند» (قاضی نعمان، ۱۳۶۳، ۱۵۸/۱). ایشان در روایتی دیگر، تفاوت نماز افراد را در خشیت و معرفت نسبت به خدا دانسته و فرمود: «دو رکعت نماز انسان باتقوا، بهتر از ۱۰۰۰ رکعت نماز انسان لاابالی است» (پابنده، بی‌تا: حدیث ۱۶۷۲). نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس که زکات ندهد، نمازش باطل است و کسی که ورع ندارد، زکاتش پذیرفته نیست». (طبرسی، ۱۳۸۵، ۲۱۲). براین اساس، یکی از آثار نماز چنانکه علی علیه السلام فرمود آن است که: «ریز و درشت کارهایت تابع نمازت است» (سیدرضی، ۱۳۸۱، نامه ۲۷).

خود شکوفایی

آموزه‌های وحیانی، ضمن ارائهٔ چهارچوب و اصول اساسی حیات دینی، فرد را برای مواجهه با مسائل و پیشامدهای پیش‌رو آماده می‌کند. بدین ترتیب، خودشکوفایی که یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعهٔ اجتماعی به شمار می‌رود، در پرتو اندیشهٔ دینی فرصت ظهور و بروز می‌یابد.

مطابق با آموزه‌های دینی، نماز امکان شکوفایی و عزت شایستگان را فراهم می‌کند. نصوص دینی، مؤلفه‌های فکری، رفتاری، کنشی و اثرات این گروه را در حوزه‌های اجتماعی این چنین بیان می‌کند: «نمازگزاران اهل نیکی و خیرخواهی بوده، نسبت به دیگران محبت و دوستی می‌ورزند (تحابوا)» (طوسی، ۱۴۱۴، ۶۴۷). ضعیفان را یاری می‌رسانند (سیوطی، ۲: ۱۳۵/۱۳۶۵)، از نواهی پرهیز می‌کنند، حسنات را در جامعه گسترش داده و منشاء خیرات هستند. قرآن کریم می‌فرماید: «و مردان و زنان با ایمان،

دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می برند، آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است» (توبه، ۷۱) و در خصوص نماز تصریح می کند: «آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید» (عنکبوت/۴۵). یا در روایتی منقول از حضرت رسول ﷺ است که: «خداوند متعال تا چهل شبانه روز، نماز و روزه غیبت کننده مسلمان را نمی پذیرد، مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵۸/۵۳) و نیز فرمود: «مَنْ لَمْ تَنْتَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ، لَمْ تَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا» (طبرانی، بی تا، ۴۶/۱۱).

یکی از اسباب ظهور و رواج منکرات، تابعیت انسان از هوای نفس و وسوسه های شیطانی است. حضرت رسول فرمود: «نماز، چهره شیطان را سیاه می کند». (پاینده، بی تا، ح ۱۸۷۷). «شیطان، وقتی صدای اذان و دعوت به نماز را می شنود، می گریزد». (متقی، بی تا، ح ۲۰۹۵۱). «شیطان با عبادت نمازگزاران، از او ناامید می شود» (ابن حنبل، بی تا، ۵۰/۵، ح ۱۴۳۷۳). شاید از این رو است که توصیه شده، در گوش راست فرزند نورسیده اذان و اقامه را در گوش چپ او بگویند؛ چرا که با این کار، شیطان از او رانده می شود. از حضرت امام علی علیه السلام روایت است که «نماز از حکم خدا است و باعث رانده شدن و روسیاهی شیطان می شود». (آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۲۲۱۳).

نمازگزاران با به جای آوردن اوامر الهی، ضمن حراست از ارزش ها، به مقابله با منکرات می پردازند و بدین طریق، اسباب سلامت و تعالی جامعه را فراهم می نمایند. این افراد چنان که انتظار می رود، از اعتدال برخوردارند و دچار افراط و تفریط نمی شوند. نشانه این اعتدال و سلامت جویی در نامه امام علی علیه السلام به فرمانداران نمایان می شود؛ آنجا که می فرماید: «... در نماز جماعت، در حد ناتوان آنان نماز بگذارید و فتنه گر نباشید» (سید رضی، ۱۳۸۱، نامه ۵۲).

هم چنین خداوند این گروه را در صف نیکوکاران قرار داده و می فرماید: «نیکوکاری، آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید؛ بلکه

نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبیا هستند؛ آنان هستند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند» (۱۷۷، بقره). خوارزمی به نقل از اسناد خود از امام باقر علیه السلام دربارهٔ حالات امام سجاد علیه السلام در نماز چنین می‌نویسد: «پدرم علی بن حسین علیه السلام به هنگام نماز، پوست بدنش برافروخته و رنگش زرد می‌شد و گوشت تنش به لرزه می‌افتاد و موی بر تنش راست می‌شد و در حالی که اشک بر گونه روان بود می‌فرمود: اگر بنده می‌دانست که با که مناجات می‌کند، از نماز دست نمی‌کشید (خوارزمی، ۱۴۲۳، ۱۳۲/۲).

۳-۳. رضایتمندی از زندگی

نماز مایهٔ نزول برکات و رحمت الهی است. خداوند می‌فرماید: «و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید» (نور، ۵۶). در احادیث وارد شده، کسی که نماز جمعه را عمداً ترک کند، سبب ایجاد تفرقه و از بین رفتن برکت و گرفتاری در بلاها خواهد شد (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ۵۴/۲). هم چنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس از سر ایمان، برای رسیدن به ثواب به نماز جمعه برود، اعمال خود را از سر گیرد» (صدوق، ۱۴۰۴، ۴۲۷/۱). در جایی دیگر، حضرت علیه السلام فقیری را که از ناداری و نیازهایش شکایت می‌کرد، به حضور در نماز جمعه دعوت کرد و فرمود: «الجمعة حجة المساکین» (راوندی، ۱۴۰۷، ۳۷؛ محمدی، بی‌تا، ح ۱۰۷۸۲). ادای نماز، آن هم در کنار جمع مؤمنان و نمازگزاران، علاوه بر آنکه یک تکلیف دینی است، نشانهٔ سلامت روانی و معنوی انسان است؛ چراکه ارتباط با دیگران و همنوایی ارادهٔ جمعی، برای انجام عملی که همگان در آن سهیم بوده و متحد و یکپارچه برای تحقق هدفی مقدس تلاش می‌کنند، بیانگر روحیهٔ جمعی و برون‌گرایی انسان از یک سو و تلاش او برای ایجاد ارتباط سالم و پر از نشاط معنوی و روحی در مناسبات اجتماعی، از سوی دیگر است که از مهم‌ترین، مؤلفه‌های سلامت اجتماعی، سلامت روانی و سلامت

معنوی به شمار می‌رود.

حضور در فریضة نماز جمعه، نه تنها نشانه سلامت و رضایتمندی از زندگی دینداری است، بلکه تداوم و تلاش برای بهره‌برداری هرچه بیشتر از برکات آن و اهتمام در انجام مقدمات نماز جمعه برای بهره‌مندی هرچه بیشتر و حضور در اجتماع انسان، از رخوت و سستی دور و سبب افزایش منزلت اجتماعی و تقویت اخوت دینی شده، با ایجاد احساس مسئولیت و تعهد انسان‌ها به یکدیگر، زمینه حضور مؤثر دین در تمام ابعاد زندگی را فراهم می‌کند. به علاوه، نماز جمعه دارای خصوصیت الزام‌آوری برای مؤمن بوده و به جهت وجهه جامعیت و یکپارچگی که در فلسفه نماز جمعه و آداب آن وجود دارد، انسان را از حالت تک‌ساحتی، فردگرایی و هنجارشکنی دور نموده و سبب کمال فردی و اجتماعی انسان مؤمن و تحقق جامعه مطلوب دینی با الگوی قرآنی می‌شود و با ایجاد آگاهی در زمینه‌های مختلف که توسط خطیب نماز جمعه و سایر رسانه‌های عمومی ایجاد می‌شود، انسان را از اخبار پیرامون خود مطلع و امکان مواجهه درست با مسائل و پیشامدهای مختلف را به او می‌دهد. در این میان، حضور در جمع و آگاهی دیگران از مسائل مختلف، ضمن دلجویی و بهره‌مندی از تجارب دیگران، امکان برخورداری از مشاورت جمعی و انسجام در حفظ امنیت فردی و محیطی و ایمانی را برای مؤمنان فراهم می‌کند. این امر می‌تواند در خصوص نماز جماعت و سایر عبادات جمعی که در اسلام توصیه شده، قابل استفاده باشد.

نماز به انسان آرامش می‌دهد و مهارت مواجهه با مشکلات و دوری از شتابزدگی و گرفتاری در شر را به او می‌آموزاند. قرآن کریم می‌فرماید: «به راستی که انسان، سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است * چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند * و چون خیری به او رسد، بخل ورزد * غیر از نمازگزاران * همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند * و همانان که در اموالشان حقی معلوم است» (معارف، ۱۹-۲۴). یعنی تنها نمازگزارانند که با پناه بردن به خدا و صبر و تحمل و چنگ زدن به ریسمان محکم الهی، از فرو رفتن در اضطراب خودداری می‌کنند و به آرامش روانی می‌رسند. حضرت محمد ﷺ فرمود: "هرگاه بنده به نماز می‌ایستد و گرایش و دلش به سوی خدا باشد، از نماز فارق می‌شود همانند روزی که از مادر متولد شده است» (نراقی، بی‌تا، ۳/۲۷۵) و

فرمود: «نور چشم من در نماز نهاده شده است».

در جایی دیگر، در حالی که از بلال خواست تا اذان را بگوید فرمودند: «نماز، آسایش بخش است». (متقی، بی تا، ۲۰۹۵/۴). بنابراین، انسان نمازگزار با به جای آوردن عبادات و ارتباط با خالق هستی، عزت نفس می‌یابد و هیچ کس را جز او، قادر و حکیم نمی‌بیند. به همین جهت، با ایجاد آرامش درونی و در پیش گرفتن مسیر تقوا، امکان درک بهتر از واقعیات و حقیقت هستی و مواجهه با آن برایش فراهم می‌گردد. خداوند می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز برپا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند» (بقره، ۲۷۷). از جهتی دیگر، اهتمام در بندگی حق تعالی، نشانه سلامت فرد و دوری از گناه است که در روایات از آن با عبارت عفاف نام برده شده است. مرحوم ابن شعبه حرانی از رسول الله ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «آنچه از عفت منشعب می‌شود، خوشنودی است و خضوع و بهره‌مندی و آسایش و دلجویی و فروتنی و تذکر و بخشندگی و سخاوت. اینها خصالی است که به سبب پارسایی، برای انسانی که از خدا و قسمت او خوشنود است، حاصل می‌شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ۱۷). می‌توان گفت از آنجا که نماز جمعه، از بهترین راهبردهای دین اسلام برای دوری از رخوت و ارتباط میان دین و جامعه و ایجاد انسجام و وحدت در امت است، اثربخشی آن چنان است که اگر فردی در این محفل حضور یابد، به خاطر احساس مسئولیتی که دین در او ایجاد می‌کند، نسبت به زندگی خود و دیگران متعهد شده و در نتیجه، تلاش برای ایجاد زندگی مطلوب و جامعه مطلوب، او را در مسیر خوشنودی و رضایتمندی قرار می‌دهد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آدم دین‌دار، چون می‌اندیشد، آرامش بر جان او حاکم است و چون خضوع می‌کند، متواضع است. چون قناعت می‌کند، بی‌نیاز است و به آنچه داده شده، خوشنود است... به هیچ چیز دل نمی‌بندد، پس به رستگاری و کمال فضیلت دست می‌یابد، عاقبت را به دیده بصیرت می‌نگرد، پس کارش به پشیمانی نمی‌کشد» (مفید، ۱۴۱۴، ۵۲). بنابراین، مهمترین وجه نماز که توجه به خدا و تفکر درباره اوست، اعتراف به توحید افعالی و تسلیم شدن در برابر امر الهی و رضایت او از

ما است. نتیجه آن که، فعلیت یافتن توحید در انسان که در نماز به اوج خود می‌رسد، زمینه‌خوشنودی و رضایت را فراهم و انسان از غیر خدا به سوی حق تعالی، رهنمون می‌شود.

۳-۴. جلوگیری از انحرافات اجتماعی

نماز، هم‌چنین با ایجاد شرایط بهینه اجتماعی، مانع انجام انحرافات و بی‌هنجاریها در سطح عمومی شده و به افراد جامعه، اجازه طرد و تکروی را نمی‌دهد. به رسول خدا ﷺ گفته شد: «فلان جوان که در نماز جماعت حاضر می‌شود، چشم‌چران است و به نامحرم نگاه می‌کند. فرمود: او را به حال خود واگذارید که این نماز جماعت، سبب ترک این عادت زشتش می‌شود». بعد از مدتی همان‌طور که پیامبر اکرم ﷺ خبر داده بود، آن جوان موفق به توبه از آن عادت زشت شد (ستوده، ۱۳۸۴، ۴۳؛ عبداللهی، ۱۳۸۴، ۵۱، به نقل از اکبرآقایی، ۱۳۸۹).

۴. در حوزه عدالت اجتماعی

نماز، اثبات بندگی انسان به خداوند و پابندی به انجام ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و نفی تمام رذایل و منکرات، در قالب ارائه یک فرهنگ عمومی به تمام جامعه اسلامی است. خداوند می‌فرماید: «نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید» (عنکبوت، ۴۵). هم‌چنین نماز، اعلام نیاز و اعتراف به بندگی انسان، برای هدایت و قرار گرفتن در صراط مستقیم و تبعیت از سیره صالحان و دوری از عاقبت منکران و گمراهان است (حمد، ۶). خداوند اراده کرده تا طی این مسیر و احیاء ارزش‌های الهی، با وحدت و پیوستگی با مؤمنان و بندگان صالح خدا انجام شود. در پرتو این اتصال و اتحاد، بسیاری از ارزش‌های اخلاقی، احیاء و مکارم اخلاق تقویت می‌شود که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۴-۱. عزت نفس

یکی از مصادیق عینی و بارز احیاء ارزش‌های الهی در حوزه اجتماعی، تقویت

مناسبات اجتماعی، ایجاد مودت و دوستی و رفع کدورت‌ها است. علاوه بر این، نماز با مقوله امر به معروف و نهی از منکر که نماد بیرونی و عینی زندگی دیندارانه است؛ همبستگی مستقیمی دارد. خداوند می‌فرماید: «آنان که خدا را یاری می‌کنند، آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آن‌ها اقتدار دهیم، نماز به‌پا دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند...» (حج، ۴۱). مصداق اتم و اکمل این امر، تبعیت و اطاعت از سیره پیشوایان معصوم است که عامل هدایت و واسطه فیض الهی به‌شمار می‌روند. از رسول خدا ﷺ منقول است: «در هر نسلی از امت من، دادگری است» (صدوق، ۱۴۰۵، ۲۲۱).

۲-۴. مقاومت در برابر استکبار

از آموزه‌های وحیانی استنباط می‌شود که تعلق خاطر مسلمانان به انجام تکالیف دینی، به‌ویژه نماز و ارزش‌گذاری به مراکز دینی، نقش مهمی در شکوفایی فکری و کارکردی اهل ایمان دارد و استقامت و پایداری آنان را در مواجهه با مشرکان بالا می‌برد (توبه، ۷). بر این اساس، یکی از آثار اجتماعی نماز، طرد استعمار و مقابله با استکبار درونی و بیرونی در همه عرصه‌ها و حوزه‌ها از یک سو، و تکیه بر توان داخلی و خودی از سوی دیگر است. طبیعی است که این مهم، چنانچه بر پایه‌های ایمانی و الهی استوار باشد، سبب تحقق عدالت اجتماعی و تأمین حقوق همه جانبه انسانی خواهد شد.

گرایش به طاغوت نتیجه دنیا دوستی، ترس اندک از خدا، آرزوی دراز، غفلت و فرورفتن در لهو و لعب است و نشانه آن، اطاعت از گناهکاران و قرار گرفتن در مسیر عقوبت الهی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۴۹/۷۱). داستان مواجهه عیسی با قومی که دچار عقوبت الهی شده بودند. به همین جهت، ظالم خارج از اسلام خواهد بود تا آن که بازگردد (متقی، بی‌تا، ۲۸/۹). قرآن کریم می‌فرماید: «پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادران دینی شما می‌باشند و ما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کنیم» (توبه، ۱۱).

از دیگر نشانه‌های گرایش به طاغوت، مراجعه به آنان برای حل مشکلات و اجرای احکام الهی است در حالی که خداوند متعال فرمود: «آیا ندیده‌ای، کسانی را که

می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند، و [لی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد» (نساء، ۶۰) و وجود امام صادق علیه السلام هم تصریح کردند: مؤمن نسبت به حکم طاغوت، کافر است و اگر چه حکم او حق مسلم باشد، اما حرام است (کلینی، ۱۳۸۹، ۷/۲ و ۱۲/۵).

انجام فریضه نماز، خضوع در برابر خالق هستی قادر متعال و بی‌نیازی نسبت به مخلوقات است. در نتیجه، انسان نمازگزار با سجده و رکوع و تسلیم در برابر خداوند از خضوع و کرنش در برابر هر ستمگری، اعم از آنکه حاکم جائز باشد یا انسان جائز و دستگاه جائز و حتی تبعیت از هواهای نفسانی و استکبار نفسانی و فردی، خودداری می‌کند. یکی از ویژگی‌های نماز، خضوع در برابر خداوند پاک است. نمازگزار به خاطر این خضوع، متعهد می‌شود که نه ستم کند و نه ستمی را بر خود بپذیرد و نیز، به واسطه نماز متعهد می‌شود که به مسئولیتی که بر گردن او است، عمل کند و تا به آن عمل نکند، از پا نمی‌نشیند. در نتیجه، نسبت به مدح و ثنای دیگران، دچار غرور و تکبر نمی‌شود و ظاهرسازی نمی‌کند. پذیرای تملق و خودستایی نیست و در شنیدن حق و بیان آن، محافظه‌کاری نمی‌کند (رضی، ۱۳۸۱، خطبه ۲۱۶). علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند بندگان مؤمن خود را به وسیله نمازها و زکات‌ها و... نگهداری می‌کند؛ زیرا که این امور، باعث آرام شدن اعضا و جوارح و خشوع دیدگان و فروتنی جان‌ها و خضوع دلها و بیرون راندن کبر و نخوت می‌شود. بنگرید که این اعمال، چگونه نمودهای فخرفروشی را در هم می‌شکنند و آثار و نشانه‌های تکبر را می‌زداید» (رضی، ۱۳۸۱، خطبه ۱۹۲). امام مجتبی علیه السلام همچنین در تفسیر آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌فرماید: «خداوند متعال، وجودی است که همه موجودات در نیازمندی و سختی‌ها به او پناه می‌برند و به‌ویژه، هنگامی که امید از غیر او قطع گردد و همه وسائط و اسباب را ناچیز می‌بیند. این که می‌گویی بسم الله.. یعنی یاری و کمک می‌خواهم در همه کارهایم از خداوندی که عبادت، برای غیرش سزاوار نیست. او فریادری است که به هنگام دادخواهی، دستگیری می‌نماید و اگر کسی بخواندش، پاسخ می‌گوید»

(مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۱/۳، ح ۱۶).

اهل نماز، نه تنها اهل ظلم نیست و از ظالم پیروی نمی‌کند، بلکه یاور مظلوم است (رضی، ۱۳۸۱، نامه ۴۷) و با بازداشتن ظالم از ظلم، مانع بیشتر شدن گناه او شده و تا از بین بردن ظلم نمی‌نشیند. رسول الله ﷺ فرمود: «انصر اخاک ظالماً او مظلوماً» (احمد بن حنبل، بی‌تا، ۲۰۱/۳). حال سؤال این است که چگونه ظالم را یاری کند. به نظر می‌رسد منظور آن است که ظالم را ظلمش بر حذر بداریم و مانع ادامه عصیان و سرکشی او شویم. از رسول الله ﷺ نقل شده که فرمود: «مردم آنگاه که ظالم را ببینند و او را باز ندارند، انتظار می‌رود که خداوند همه را به عذاب خود گرفتار سازد (پابنده، بی‌تا، ح ۸۲۳).

چنانچه ظلم را نوعی بلا به‌شمار بیاوریم، باید گفت مواجهه با ظلم و برخورد با ظالم، نمودی از توجه به حق تعالی و عبودیت او است. از علی علیه السلام است که فرمود: بلا برای ظالم، تنبیه و برای مؤمن، آزمایش و برای پیامبران، مقام و درجه است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۳۵/۶۷). هم ایشان می‌فرماید: «عدالت، عمل کننده به آن را از گردن گرفتن حقوق مردم و مظلوم آسوده می‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۳۳۷). نتیجه آن که، نماز انسان را از اطاعت طاغوت آزاد و جامعه انسانی را به سمت کمال مطلوب که عدالت از نمودهای آن است، رهنمون می‌شود. نماز نه تنها انسان را از ورود به منکرات و فحشاء که ظلم برجسته‌ترین مظهر آن است باز می‌دارد، بلکه دیگر خصال زندگی مؤمنانه که تبعیت از شریعت الهی و ولایت‌پذیری حق و امر به معروف و نهی از منکر، از مصادیق برجسته آن است را در او پرورش می‌دهد. خداوند می‌فرماید: «آنچه از کتاب، به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید» (عنکبوت، ۴۵). نیز در آموزه‌های قرآنی است که می‌فرماید: «در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد، به شما اندرز می‌دهد، باشد که پند گیرید» (نحل، ۹۰).

امام حسین علیه السلام درباره جایگاه امر به معروف و نهی از منکر به این دو آیه شریفه استناد می‌کند که خداوند فرمود: «پس از ایشان مترسید و از من بترسید» (مائده، ۳) و نیز فرمود: «و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده

وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند، آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است» (توبه/۷۱). آن حضرت، ضمن برشمردن صفات ملایان یهودی می‌فرماید: «خداوند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه‌ای از جانب خود آغاز کرده است، چون می‌دانسته که هرگاه این فریضه ادا گردد و برپای داشته شود، تمام فرایض دیگر از آسان و دشوار، برپای داشته خواهند شد؛ چراکه امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام است همراه با رد مظالم، مخالفت با ستمکار، تقسیم بیت المال و غنایم و گرفتن به جای صدقات و هزینه کردن به جای آن» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ۲۳۷).

۴-۳. ارزش‌گذاری به شایستگان

یکی از مصادیق ارزش‌های اخلاقی، بزرگداشت و احترام به نیکوکاران و مصلحان است. نماز، عامل عزت‌مندی و تعیین منزلت اجتماعی و معیار ارزش‌گذاری و اعتبار انسان دیندار به شمار می‌رود؛ چراکه نمازگزار با اثبات بندگی خود در درگاه خداوند، نزد او تقرب یافته (قاضی نعمان، ۱۳۸۳، ۱۳۳/۱؛ صدوق، ۱۴۰۴، ۶۷/۱) و خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ...﴾. یکی از مصادیق این امر، وجود حضرت ابراهیم علیه السلام است که به «خلیل الله» شهرت دارد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خداوند متعال، حضرت ابراهیم علیه السلام را جز به خاطر غذا دادن و نماز شب خواندن، هنگامی که مردم در خواب بودند، خلیل و دوست خود انتخاب نکرد» (صدوق، بی‌تا، ۳۵/۱، ح ۴). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «در دینداری فرد همین بس که برگزاردن نمازها بسیار مواظبت کند» (ورام، بی‌تا، ۱۲۲/۲). یا در حدیث دیگری فرمود: «فاصله میان مسلمان و کافر جز این نیست که نماز واجب را عمداً ترک کند یا آن را سبک بشمارد و نخواند» (صدوق، ۱۳۶۸، ۲۷۵/۱). در حدیث دیگر است که فرمود: «بهترین شما کسی است که خوش زبان باشد و به دیگران طعام دهد و هنگامی که مردم در خوابند نماز بخواند» (صدوق، ۱۴۰۴، ۷۱/۱).

در آموزه‌های دینی، اقبال یا عدم رغبت مردم به نماز جماعت و امامت، آن را در گرو محبوبیت او نزد مردم دانسته و می‌فرماید: «اگر مردم از امام جماعتی ناراضی

باشند و او محبوب مردم نباشد و وجود او را با اکراه پذیرفته باشند، نمازش قابل قبول نیست» (برقی، بی‌تا، ۱۲/۱).

۵. در حوزه تمدن‌سازی

مسجد به مثابه کانون هم‌گرایی معنوی و اجتماعی

یکی دیگر از پیامدهای اقامه نماز در عرصه اجتماعی، تمدن‌سازی مبتنی بر تفکر جامع توحیدمدار است که یکی از مصادیق بارز آن، ساختن مسجد، آباد کردن آن‌ها و رسیدگی به زائران خدا است (توبه، ۱۷-۱۸). مسجد اگر چه به عنوان محل عبادت حق، دارای اصالت و اعتبار است؛ اما عدم اختصاص این مکان به عبادت‌های فردی و انجام تعبدات و تأکید آموزه‌های دینی بر کارکردهای مسجد در حوزه اجتماعی، بیانگر نسبت مستقیم میان این مکان با ظهور تمدن‌سازی مطلوب الهی - قرآنی است.

همان‌طوری که در تاریخ آمده، نخستین حوزه‌های تمدنی اسلام، یعنی مسجدالنبی و مسجدالحرام، با نظارت و جهت‌دهی وحی و رسول الله ﷺ به وجود آمد. بر این اساس، میان سلامت معنوی و سلامت اجتماعی، ارتباط مستقیم، عینی و ملموسی برقرار است. ایجاد و پاسداشت حرمت و عظمت مسجد، سبب عزت اسلام و مسلمانان و دفاع از حدود و ثغور فکری و ارضی است و به مثابه جهاد در راه خدا است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «یک شب نگاهی در راه خدا بر کرانه دریا، بهتر از هزار سال نماز و روزه است» (متقی، بی‌تا، ح ۱۰۵۷). اقامه نماز، آن هم در مسجد یا اماکن عمومی، علاوه بر بهره‌مندی بیشتر از آثار و برکات معنوی آن، تأثیرات مثبتی بر مناسبات اجتماعی و تقویت همگرایی جمعی به جا خواهد گذاشت. از وجود پیامبر ﷺ مروی است: «نشستن در مسجد و به انتظار ماندن برای نماز در مسجد، عبادت است» (محمدی، بی‌تا، ح ۸۳۰۴) و در روایت دیگر است که فرمود: «انسان منتظر، تا وقتی که منتظر نماز است، در حال نماز است» (پاینده، بی‌تا، ح ۲۵۳۸). از رسول اکرم ﷺ منقول است: «هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر نشستن سه گروه: نمازگزاری که قرائت قرآن کند، کسی که ذکر خدا بگوید و کسی که به جستجوی دانش باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۸۸/۷۷). هم‌چنین امام باقر ﷺ فرمود: «گفتگوی علمی درس است و

درس، نماز نیکو است» (محمدی، بی تا، ح ۹۰۴۹). بر این اساس، مسجد با ایجاد امکان تفکر و نشر معارف الهی، یکی از آثار اجتماعی مورد انتظار از نماز را تأمین می کند. اجتماع مسلمانان در مساجد و مراکز دینی، ضمن ایجاد روحیه نشاط و سلامت معنوی، سبب تحرک و پویایی، بهره مندی از مشاورت و همیاری آحاد جامعه برای حل و فصل امور و منبع دگرگونی های فرهنگی و تحولات سرنوشت ساز تاریخی در ادوار مختلف بوده است. مصداق عینی این مدعا، انقلاب اسلامی ایران و قرار گرفتن مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه انقلاب است.

۶. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی یکی از اقسام امنیت اجتماعی به شمار می رود. یکی از دستاوردهای مهم نماز در حوزه اجتماعی، تأمین امنیت اقتصادی است. در توضیح رابطه میان نماز و امنیت اقتصادی می توان گفت، از سویی انسان دارای نیازهای حیاتی بوده و از سویی دیگر، تأمین ضروریات زندگی، تلاش برای روزی حلال و رفع مسائل دیگران از جمله وظایف شرعی یک مسلمان به شمار می رود. چنان که در احادیث وارد شده، کسی که یک لقمه حرام فروگذارد، از دو هزار نماز مستحبی محبوب تر است (ورام، بی تا، ۱۲۰/۲). هم چنین از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «کسی که فکر می کند و نماز شب می خواند و با این حال گرسنه می ماند، بداند که فکرش خطا است؛ چون که خدا خود ضامن رزق و روزی روز او است» (برقی، بی تا: ۱/۱۲۵).

بدیهی است، لازمه دستیابی به این سطح از امنیت اقتصادی، پایبندی به قوانینی است که در پرتو اعتماد اجتماعی حاصل از ارزش های دینی به دست می آید. از این رو نماز، انسان دیندار را متعهد می گرداند تا برای انجام امر الهی از پانثیند و در عین حال به حقوق دیگران احترام بگذارد. در عین حال، اندیشه ضمانت می کند که فرد در مضیقه قرار نگیرد. خداوند می فرماید: «تا پاداششان را، تمام بدیشان عطا کند و از فزون بخشی خود در حق آنان بیفزاید، که او آمرزنده حق شناس است» (فاطر، ۳۰-۲۹) و در جای دیگر فرمود: «مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی دارد و از روزی که دلها و دیده ها در آن

زیر و رو می‌شود، می‌هراسند»^۱. هم چنین در احادیث آمده است که، نماز باعث دفع قحطی و خشکسالی و نزول برکات می‌شود (طوسی، ۱۴۱۴، ۶۴۷، ح ۱۳۴۰).

نتیجه‌گیری

* شارع مقدس با جعل فریضه نماز به عنوان یکی از فرایض مهم دینی و قرارداد آن در قالب واسطه فیض، مصالح همه‌جانبه و خیرات وسیعی را برای انسان نازل فرمود. براین اساس، آموزه‌های وحیانی اسلام دارای پشتوانه تکوینی - الهی بوده و منطبق با فطرت و عقل و شرع می‌باشد.

* از آن‌جا که انسان مدنی‌الطبع است، پس یکی از ابعاد اوامر و نواهی الهی، در نظر گرفتن مصلحت عمومی است و مطابق با آنچه گفته شد، کمال فردی با کمال اجتماعی در تلازم یکدیگر قرار دارد و شرط صحت و قبولی عمل دینی، تقویت و اصلاح مناسبات اجتماعی همسو با تعالیم وحیانی است.

* آثار و ابعاد فریضه نماز در حوزه اجتماعی، مطابق با نظریات جامعه‌شناسی در حوزه‌های مختلف عمومی، تربیتی، اخلاقی، معنوی، تمدنی و اقتصادی عبارتند از: سلامت معنوی، وحدت و هماهنگی، نظم اجتماعی، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، احیاء ارزش‌های الهی و مکارم اخلاقی و رضایت‌مندی از زندگی.

* براساس آن چه به‌دست آمد، رابطه مستقیم، عینی و ملموسی میان نماز با سلامت معنوی و توسعه اجتماعی وجود دارد. از نظر جامعه‌شناسی دینی، نماز با ارائه یک الگوی جامع از روابط انسان با خود، خدا، طبیعت و دیگران، سلامت و کمال اجتماعی را نه فقط حق انسان، که در زمره تکالیف الهی او به‌شمار آورده و از این رو، مدعی است می‌تواند هم در کمال فردی و هم در کمال اجتماعی مؤثر باشد... نماز به مثابه یک سرمایه اجتماعی در جامعه دینی قادر است علاوه بر ایجاد نگرش درست اجتماعی برای اندیشیدن در اهداف و آرمانها، با تدارک امکانات و ارائه سیاست‌ها و راهبردهای

۱. ﴿رَجَالٌ لَا تُلِهِمْ بَيْعَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ﴾ (نور/۳۷).

لازم، زمینه تحقق آن را فراهم و از آن حمایت کند.

کتاب شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. ابطحی، محمد علی، (۱۴۱۱)، صحیفه سجادیه، قم، نمونه.
۳. ابن ابی جمهور، (۱۴۰۳ق)، عوالی اللثالی، تحقیق مرعشی، قم، سیدالشهداء.
۴. ابن بابویه، فقه الرضا، (بی تا)، قم، موسسه آل البيت.
۵. ابن حنبل، احمد، (بی تا)، مسند احمد، بیروت، دارصادر.
۶. ابن سلامه، (۱۴۰۵ق)، مسند الشهاب، حمدی سلفی، بیروت، موسسه الرساله.
۷. ابن شعبه حرانی، (۱۳۸۲)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، آل علی.
۸. آقایی، علی اکبر و تیمورتاش، حسن، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه و فرایند آسیب اجتماعی و امنیت اجتماعی، بی جا.
۹. آمدی، عبدالواحد، (۱۳۶۶ش)، غرر الحکم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۰. برقی، احمد بن محمد، (بی تا)، المحاسن، تحقیق سیدجلال الدین الحسینی، بی جا، دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، (بی تا)، تهران، امیرکبیر.
۱۲. حاکم نیشابوری، (۱۴۰۶ق)، مستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف مرعشی، بیروت، دارالمعرفه.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن (شیخ حرعاملی)، (۱۴۱۶)، وسائل الشیعه، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم، آل البيت علیهم السلام.
۱۴. حیدرآبادی، ابوالقاسم، (بی تا)، اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن، (مطالعه موردی جوانان ۲۰-۲۹ ساله استان مازندران)، جامعه شناسی، سال اول، پیش شماره اول.
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد، (۱۴۲۳)، مقتل الحسین علیه السلام (مقتل خوارزمی)، قم، انوار الهدی.
۱۶. راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۷ق)، الدعوات، بی جا، مدرسه الامام المهدی.
۱۷. سید رضی، (۱۳۸۱ش)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، انصاریان.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، (۱۳۶۵ق)، الدر المنثور، جده، دارالمعرفه.
۱۹. صدوق، محمد، (۱۴۰۴ق)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه المدرسین.
۲۰. _____، (۱۳۶۲ق)، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۲۱. _____، (۱۳۶۸ش)، ثواب الاعمال، قم، منشورات الرضی.
۲۲. _____، (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا، تحقیق حسن الاعلمی، بیروت، موسسه الأعلمی.
۲۳. _____، (۱۴۰۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، بی جا، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. _____، (۱۴۱۷ق)، الأمالی، قم، مؤسسه البعثة.
۲۵. _____، (بی تا)، علل الشرایع، قم، داوری.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۴)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، حاشیه نویسی مرتضی مطهری، تهران، صدرا.

۲۷. طبرانی، سلیمان، (بی تا)، المعجم الكبير، تحقیق حمدی عبدالمجیدسلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیه.
۲۸. طبرسی، علی، (۱۳۸۵ق)، مشکاة الانوار، نجف، مکتبه الحیدریه.
۲۹. طوسی، محمد، (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، تحقیق شیخ علی خراسان، الرابعه، بی جا، دارالکتب الإسلامیه.
۳۰. طوسی، محمد، (۱۴۱۴ق)، الأمالی، تحقیق مؤسسه البعثه، قم، دارالثقافه.
۳۱. عباسی، محمود وهمکاران، (۱۳۹۱ش)، تعریف مفهومی و عملیاتی سازی سلامت معنوی یک مطالعه روش شناختی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ۶، ش ۲۰.
۳۲. عرب صالحی، (۱۳۹۱ش)، تاریخی نگری و دین، قم، پژوهشکده فرهنگ و علوم اسلامی.
۳۳. قاضی نعمان، (۱۳۸۳ق)، دعائم الاسلام، تحقیق آصف فیضی، بی جا، دارالمعارف.
۳۴. کلینی، محمد، (۱۳۸۹ق)، الکافی، علی اکبر غفاری، الثانية، بی جا، دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. متقی هندی، (بی تا)، کنز العمال، تحقیق بکری حیاتی، بیروت، مؤسسه الرساله.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، الثانية، بیروت، الوفاء.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد، (بی تا)، میزان الحکمه، بی جا، دارالحدیث.
۳۸. محمدی عراقی، محمود و دیگران، (۱۳۸۸)، درآمدی به جامعه شناسی اسلامی (۲)، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، چاپ سوم.
۳۹. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴)، الامالی، قم، البعثه.
۴۰. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۳ش)، چهل حدیث، چاپ سیزدهم، قم، مؤسسه امام خمینی.
۴۱. نراقی، مهدی، (بی تا)، جامع السعادات، تصحیح محمد کلانتر، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
۴۲. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بی جا، مؤسسه آل البيت.
۴۳. نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۲ش)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱۹، صص ۵۶-۷۰.
۴۴. وثوقی، منصور، هاشم آرام (۱۳۸۸ش)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال ۳، ش ۳.
۴۵. ورام بن ابی الفراس، (بی تا)، تنبیه الخواطر و نُزْهَةُ التَّوَاظُرِ، قم، مکتبه الفقیه.